



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۹/۰۲

توریالی غرنی

## مسکو چرا عجله نمود؟

دو هفته قبل وزارت امور خارجه فدراسیون روسیه اعلام نمود که به ابتکار حکومت روسیه، اینکشور تصمیم دارد به تاریخ چهارم سپتمبر سالجاری (۲۰۱۸) ملاقاتی را (دقیقتر: مجلس مشورتی) را به ترکیب کشور های فدراسیون روسیه، چین، ایران، پاکستان، ایالات متحده امریکا قزاقستان، ازبکستان، تاجکستان، قرغزستان، افغانستان و نماینده گروه طالبان، در مسکو دایر نماید.

در اعلامیه وزارت امور خارجه روسیه این مناسبت قید گردیده بود که "مجلس چهارم سپتمبر" به هدف "تبادل نظریات و مشوره ها پیرامون حل مسالمت آمیز منازعه در افغانستان" به راه میافتد.

از جانب دیگر "مجلس مشورتی"، آمادگی ها برای آن، و آجندای آن با جانب اصلی و لاینفک قضیه، یعنی حکومت افغانستان به علتی نامعلومی هماهنگ نشده بود. تدویر مجلس و چگونگی محتوای آن با ارگانهای زیربیطی دولت افغانستان در میان گذاشته نشده و افغانستان عملاً از آن اهداف اصلی آن به هر دلیلی که بود بی خبر نگهداشته شده بود. ظاهراً به نظر میرسد که محافلی در رهبری وزارت امور خارجه روسیه می خواستند این "ملاقات را به هدف ملاقات" دایر نمایند. احتمالاً این حلقات و محافل می خواستند ثابت بسازند که روسیه می تواند یکی از طرفین فعال در بحران افغانستان باقی بماند و افزون بر آن از کشورهای مختلف، به شمول نماینده طالبان برای اشتراک در آن دعوت بعمل بیاورد، و موافقت هر یک شانرا برای شرکت در آن بدست بیاورد.

دلچسپ است که رسانه های گروهی روسیه خبر تدویر احتمالی مجلس چند جانبه را وسیعاً با دلگرمی خاص به نشر می رساندند. و اینکه مسکو توانسته مؤافقت نماینده گروه طالبان را برای اشتراک در آن بدست بیاورد، آنرا حتی "مؤفقت مشهود دیپلماسی روسیه" مینامیدند.

از همان آغاز هویدا بود که ایالات متحده امریکا در گردهمایی مسکو اشتراک نخواهد نمود. وزارت امور خارجه ایالات متحده امریکا در اعلامیه مختصر خویش در مورد ابتکار جدید روسیه مختصراً یاد آور شده بود: "از آنجائیکه ملاقات های قبلی در مسکو پیرامون افغانستان بی نتیجه بوده اند، ملاقات عنقریب نیز کدام پیامدی ملموسی در پی نخواهد داشت، بنابراین حضور نماینده امریکا در آن منتفی می باشد." بدین ترتیب امریکائیا نیز در بازی خویش با قطعه ای افغانستان از روسها عقب نمانده، "مجلس مسکو" را رد نموده تا نقش و نفوذ مسکو در مسأله ای افغانستان بالا نرود.

هرگاه رقابت ها و حساسیت های مشهود مسکو و واشنگتن را در مسایل افغانستان در برابر یکدیگر و همچنان کوشش های متمر و بیطرفانه رهبری جدید ازبکستان را در حل مسایل افغانستان (کنفرانس اخیر تاشکند و تداوم گفتگوها و مذاکرات با حکومت افغانستان و همچنان با نمایندگان طالبان) برای مدتی از نظر دور نگهداریم، سؤال به میان میاید که انگیزه اساسی و اصلی مسکو برای دعوت "مجلس مشورتی" با اینهمه شتابزدگی، توأم با بی اعتنائی در برابر حکومت افغانستان چه بوده باشد؟

مسکو، و مخصوصاً مبتکرین به راه اندازی "مجلس مشورتی" بخوبی ملتفت اند که حکومت افغانستان و گروه طالبان در یک جنگ خونین و فرسایشی با یکدیگر قرار دارند. در همچو یک وضعیتی مسکو میبایست شرایط و زمینه ها را برای تأمین گفتگوی مستقیم و بلاقید و شرط میان حکومت افغانستان و نمایندگان طالبان فراهم می ساخت. "مجلس طویل مشورتی" با آجندای اعلام نشده و مجهول و نتایج ناپیدا کدام درد را می توانست دوا کند... به جز آنکه از موجودیت "درد" مجدداً یاد آوری صورت بگیرد و به تکرار مکررات مبدل گردد. البته با یک تفاوت که این بار در آن نماینده طالبان هم شرکت میداشت.

بیانید تصور نمائیم که "مجلس مشورتی مسکو" تدویر میافت. نماینده ای طالبان به تالار گفتگوها راه میافت. آنجا در عقب میز مذاکرات نمایندگان رسمی حکومت های برسمیت شناخته و مستقل قرار می گرفتند. آیا میزبان جایگاه نماینده گروه طالبان را در عقب میز مشورتی تعیین و تثبیت نموده بود؟ آیا این موضوع با طالبان و مخصوصاً با حکومت افغانستان در میان گذاشته و مؤافقت آن بدست آمده بود؟ معلومات دست داشته نشان میدهد که این موضوع با مقامات زیربیط افغان (قبل از همه سفارت افغانستان در مسکو) در میان گذاشته نشده، توافق و یا عدم توافق آن

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنی زې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

بدست نیامده بود. نماینده رسمی حکومت افغانستان (در صورت حضور یابی در مجلس مسکو) پیدایش نماینده طالبان را "در مجلس مشورتی مسکو" برای حکومت افغانستان بی خُرمتی در برابر حاکمیت سیاسی و استقلال افغانستان پنداشته به احتمال قوی به رسم احتجاج مجبور به ترک میز مجلس مشورتی میگردید. اینکه چرا سازماندهندگان مجلس نخواستند، یا نتوانستند بخاطر حل و فصل مسایل تخنیک و رعایت پروتوکول معمول دیپلماتیک را با جانب افغان مشوره و هماهنگ نمایند، در این باره صرف می توان حدس زد.

در نتیجه شتابزدگی جانب روسیه، عدم هماهنگی با جانب افغان، نه تنها طالبان و حکومت افغانستان به مذاکرات مستقیم وادار نمی شدند، بلکه نقش سازنده روسیه را برای تأمین فضای قابل اعتماد مذاکرات صلح آمیز در آینده نیز مکرر و زیر سؤال می برد.

تحلیلگران و صاحب نظران مسایل بین المللی و منطقه ئی بخوبی ملتف اند که حل و فصل صلح آمیز منازعه افغانستان در شرایط کنونی بدون اشتراک ایالات متحده امریکا ناممکن به نظر میرسد، و این عامل را نمی توان در نظر نگرفت. مسکو بدون در نظر گرفتن این عامل مهم و جدی در معادله افغانستان چگونه میخواید "مجلس مشورتی" را به راه اندازد؟ در این شکی نیست که دولت فدراسیون روسیه منافع معین و مشروعی خویش را در افغانستان و سایر کشورهای منقه در گُل می تواند داشته باشد، و حق دارد در حل بحرانها و منازعات منطقه ئی به شمول حل و فصل معضله ای افغانستان سهم بگیرد. لیکن حرف بالای امکانات عینی، ظرفیت و نحوه اشتراک مسکو در اینگونه پروسه با حفظ احترام و رعایت حاکمیت دولتی و استقلال ملی افغانستان مطرح است. با در نظر داشت پیشینه مناسبات افغان - روسیه (شوروی) انتظار می رود که سهم و تلاشهای مسکو سازنده و صادقانه باشد. هرگاه صادقانه بگوئیم، مسکو به علت مداخله مسلحانه که سالها قبل در امور داخلی افغانستان روا داشته بود، حداقل مسوولیت اخلاق بی نظمی و بی ثباتی را که امروز افغانستان دچار آن است بدوش دارد. صرف نظر از سر و صدا ها در مورد تماسها با گروه طالبان، رویهمرفته، حقایق نشان میدهد که روسیه در شرایط کنونی ابزار و وسایل زیادی برای اثر گذاری و نفوذ بالای اوضاع در افغانستان در اختیار ندارد، بنابراین نمی تواند بازیگر متمر در صحنه سیاسی افغانستان باشد.

حتی اگر روسیه بتواند نماینده طالبان را به عقب میز بکشاند این حرکت چه دردی را می تواند مداوا باشد، وقتی آجنداء، محتوا، نتایج و پیامد آن با جانب اصلی قضیه، یعنی حکومت قانونی افغانستان و حامیان بین المللی آن به توافق نرسیده باشد؟!

ظاهراً تمام تلاشهای روسیه بیشتر ماهیت رقابت با امریکا را داشته و عاری از محتوای انتطابقی و نتیجه بخش است. مسکو می خواهد به هر قیمتی که شود اقدامی را برخلاف ایالات متحده امریکا انجام دهد. در همچون یک طرز برخورد و روش منافع افغانستان و افغانها که از جنگ های فرسایشی چهل ساله جداً به ستوه آمده اند، از انظار دور و حتی ناپدید میگردد.

مسوولین امور در وزارت امور خارجه روسیه نمی توانستند ندانند که افغانها و همچنان امریکائی ها (با در نظر داشت اوج بحران کنونی در مناسبات شان با روسیه) با نحوه و تدوین ترکیب "مجلس مشورتی مسکو" مؤافقت ننموده و عجلتاً به مجلس نخواهند آمد. تصور دیگر وزارت امور خارجه روسیه مبنی بر باورمندی ساده لوحانه آنها در مورد آنکه حکومت افغانستان در هر حال دعوت شان را رد نخواهد نمود و گویا در هر صورت نماینده خود را (بگذار در سطح پائین) به مجلس مسکو اعزام خواهد داشت، نیز نادرست از آب بدر آمد.

شتابزدگی و ناسنجیدگی باعث گردید که مسکو نه تنها با پیشنهاد کابل مبنی بر به تعویق انداختن "مجلس مسکو" مؤافقت نماید، بلکه اعتبار خود را نزد طالبان نیز شدیداً خدشه دار بسازد. طالبان بدون آنهم در وضعیت خوبی قرار نداشته و تحت فشارهای گوناگون از مراکز مختلف قرار داشته، از برخورد نامطلوب و غیر منتظره مسکو جداً ناراضی بوده آنرا یک نوع سوء استفاده از خود، آنهم در اثر تقاضای حکومت افغانستان که آنرا دشمن سرسخت خویش میدانند، پنداشتند. اینکه طالبان در آینده به درخواستهای مشابه روسیه تن خواهند یا خیر؟ سؤالی است که به آن نمی شود به سادگی جواب داد.

در صحبت تلفونی که سیرگنی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه با محمد اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان انجام داد، رئیس جمهور غنی بر چهارچوب مصوب در کنفرانس دوم کابل تأکید نموده و خواستار پابندی تمام کشورها بر حمایت از چهارچوب اعلام شده گردید. لاوروف به نوبه خویش پذیرفت که مجالس، کنفرانسها و مذاکرات در آینده باید به مدیریت مشترک کشور برگزار کننده و با در نظر داشت ملکیت افغانستان بر اصل موضوع صورت بگیرد.

از آنجائیکه ترکیب "مجلس مسکو" برای افغانستان عملاً با توافقات گذشته چه در سطح منطقه ئی و چه هم فراتر از آن در تضاد قرار داشت، بنابراین عقلانی به نظر میرسد هرگاه مساعی کشورهای منطقه جهت تأمین صلح و ثبات در افغانستان در چوکات توافقات قبلاً بعمل آمده میان کشورهای ذیدخل در معضل افغانستان قرار داشته باشد. برخی از صائب نظران و رسانه ها خبر دادند که مسکو از طالبان به "مجلس مشورتی" به عنوان یک "حکومت در سایه" دعوت بعمل آمده بود و این در حقیقت یک اهانت مستقیم به حاکمیت افغانستان می توانست تلقی گردد. سؤال

اینجاست که چرا از حکومت افغانستان برای اشتراک در مجلس صرف به عنوان مهمان دعوت می شد و طوری که قبلاً تذکر یافت جانب افغان از آجندا و اهداف اساسی آن در جریان قرار داده نشده بود. آیا هدف مسکو واقعاً کمک برای تأمین صلح و ثبات در افغانستان بوده یا مانور قدرت نمایی به افغانستان و متحدان بین المللی بوده است؟ ابتکار پروسه های گوناگون و متعدد صلح توسط کشورهای خارجی افغانستان را هرچه بیشتر دچار منازعه تضاد منافع دولت های مختلف قرار ساخته و آینده مذاکرات صلح آمیز را از مسیر واقعی آن منحرف می سازد. بنابراین، لازم است تا مدیریت اینگونه ملاقاتها و مجالس صرف و تنها در اختیار حکومت افغانستان باشد و یا مستقیماً در هماهنگی با آن قرار داشته باشد.

موضعگیری جدی و اصولی افغانستان پیرامون "ابتکار" اخیر مسکو با ترکیب پیشنهاد شده مسکو میرساند که بدون مشارکت و اراده مستقیم افغانستان منبعده هیچگونه تصمیم گیری فیصله ای در مورد سرنوشت و آینده افغانستان موفق و عملی نمی باشد.

شتابزدگی و عاقبت نیاندیشی مسکو باعث میگردد تا در شرایط بوجود آمده برنده ای اساسی میدان "تک و دو" پروسه صلح افغانستان تاشکند (پایتخت ازبیکستان) گردد، واقعیتی که باز هم حسادت و رشک مسکو را به بار میآورد. به تعویق افتادن "مجلس مسکو" اهمیت پروسه صلح تاشکند را بطور اتوماتیک بالا میبرد. پروسه تاشکند در کوتاه ترین مدت توانسته است اعتماد تمام جوانب ذیدخل را به شمول افغانها و امریکائی ها بدست بیاورد. گفتگوهای منظم و پیوسته و هدفمند سیاسی میان کابل و تاشکند اخیراً با شدت بیشتر ادامه داشته، تبادلۀ معلومات و نظریات میان طرفین با اعتماد هر چه بیشتر صورت میگیرد. همین چند روز قبل کامیلوف، وزیر امور خارجه ازبیکستان برای مذاکرات به کابل آمده و با رئیس جمهور غنی مذاکراتی را پیرامون برگزاری روند تازه مذاکرات صلح تاشکند بعمل آورد. انعطاف پذیری پالیسی خارجی ازبیکستان باعث گردیده تا اعتماد معین گروه طالبان را نیز با خود داشته باشد. همسایگی ازبیکستان با افغانستان عاملی است که اعتماد متقابل طرفین متخاصم را بخود جلب می نماید. ازبیکستان در تفاوت با روسیه منافع مستقیم اقتصادی حیاتی در افغانستان دارد، در عین حال تاشکند نه به روسها و نه هم به امریکائی ها در مناسبات شان با افغانستان مزاحمت ایجاد نمی نماید. ازبیکستان حداقل ظاهراً در بازی ها و رقابت های مقطعی و دایمی جیو - سیاسی منطقه ئی مانند روسیه و امریکا اشتراک ندارد. تصور ما بر آن است که انکشاف پروسه صلح در افغانستان بر همین مبنی استوار خواهد بود و پیش خواهد رفت.

## پایان